عمومی در زمینه باد و باران مطالعه دارد، می‌بیند که در این آیات که هدفش خداشناسی است، اشاراتی در زمینه پیدایش باد و باران است که بسیار جالب و گیراست!

بعد از زبان عربی، چه چیزهایی می‌خواهیم؟ زیست‌شناسی عمومی و مقدمات آن از علوم طبیعی، فیزیک و شیمی و زمین‌شناسی و ریاضی در حدود متعارف، لااقل در حد یک دیپلم ادبی. روان‌شناسی عمومی، زیبایی‌شناسی عمومی، دین‌شناسی عمومی (که غیر از اسلام است)، مردم‌شناسی، تاریخ تمدن بشری، انسان از دیدگاه مکتب‌های مختلف بشری و از دیدگاه اسلام که خودبه‌خود مستلزم آشنایی کافی با جهان‌بینی‌های گوناگون و مکتب‌های فلسفی است که این جهان‌بینی‌ها از آن برخاسته است. جرم‌شناسی، حقوق جزا، حقوق اساسی، حقوق مدنی، به این منظور که خیلی از مسائل فقه را این‌قدر بی‌پایه تلقی نکنیم. اقتصاد عمومی و مکتب‌های اقتصادی، لااقل در حد تاریخ عقاید اقتصادی. جامعه‌شناسی و شاخه‌های مرتبط با آن به‌ویژه علوم‌سیاسی. آشنایی کافی با یک یا دو زبان اروپایی که امروز خودبه‌خود در بعضی از این رشته‌ها جز استفاده از کتاب‌های آنها فعلا راهی نداریم. همه اینها مقدمه است برای رفتن سراغ کتاب و سنت. ملل و نحل اسلامی و حتی تا آنجا که به آنها مربوط است، ملل و نحل غیراسلامی، مذاهب فقهی، روند اسلام‌شناسی در این مذاهب، نقادی این روندها برای دستیابی به یک شیوه فقهی اصیل و زنده.

هدف مدرسه حقانی

آمده‌اید آگاه‌شونده آگاه‌کننده باشید. فقه امروز از کانال عبید و عباد و آن نظام اجتماعی بردگی عبور کرده است. بروید از یک عالم طبیعی بپرسید که آیا من می‌توانم امروز در مورد انسان صحبت علمی کنم بی‌آنکه روی فسیل‌های حیوانات ۱۰ میلیون سال قبل از انسان مطالعه علمی کرده باشم؟ بپرسید. می‌گوید آقا اگر می‌خواهی درباره ساختمان انسان به‌عنوان یک مطالعه‌گر عمومی اطلاعات عمومی مطالعه کنی، سراغ فسیل‌ها نرو، به درد تو نمی‌خورد. می‌گوید موضوع مطالعات چیست؟ می‌گویی انسان. کتاب به تو می‌دهد فراوان. اما اگر می‌خواهی محقق باشی در شناسایی انسان، بدون اینکه درباره فسیل‌های حیوانات ۱۰ میلیون سال پیش مطالعه کنی، توانایی مطالعه صحیح درباره انسان ۱۰ هزار سال پیش نداری. لابد آنجا هم می‌گویند که «این فسیل‌ها یک دانه‌اش دیگر نیست! چند میلیون سال از آن گذشته است. این چیست به ذهن و حافظه ما تحمیل می‌کنید؟» برای همین هم هست که سال‌هاست که در مملکت ما طبیعت‌شناسی علمی هست، اما یک عالم طبیعت‌شناس که بتوانیم در دنیا کنار دیگران بگذاریم نداریم، یا اگر داریم خیلی کم است. تنبلی! آسان‌گیری! به‌راحتی شانه از زیر بارهای سنگین خالی کردن! بار را زمین بگذار و بدو. کجا می‌خواهی بروی؟ می‌خواهی فرار کنی؟ بسم‌الله. چه کسی گفت بیایی؟ اگر دنبال هدفی آمده‌ای، این بارها هم به آن آویزان است. مسلما دوش آقا را هم خسته می‌کند! فقه زنده پویا را چه کسی باید استنباط کند؟ آیا این فقه زاده امروز است؟ بی‌سابقه است؟ همین حالا از آسمان وحی شده است؟ یا این فقه باید از کتاب و سنت گرفته شود و از این کانال عبور کرده است؟ کدام‌یک؟ حالا اگر هم این کانال آن را آلوده کرده است، آیا بدون شناخت کانال‌ها می‌شود به آلودگی‌ها پی برد؟ آن یهودی صهیونیستِ دارای کرسی شیعه‌شناسی آمریکا از بنده و شما هم بیشتر حوصله می‌کند، لابه‌لای این آشغال‌های تاریخ را می‌گردد، بدش هم نمی‌آید، اگرچه بوی زننده این آشغال‌ها بینی‌اش را آزار می‌دهد، می‌گردد و می‌گردد و چهار تا گوهر گران‌بها پیدا می‌کند، شسته‌ورفته، زیر شیر هم می‌شورد، پاستوریزه‌اش هم می‌کند، بعد می‌آورد می‌نویسد و بعد ترجمه می‌کنند و یکباره می‌بینی پیر و جوان مسلمان، آخوند و غیرآخوند، رو آورده‌اند به فلان کتاب درباره اسلام، به قلم فلان شرق‌شناس! بدبختی نیست؟! اسلام بنده را باید آن صهیونیست بیاورد به من و شما تحویل دهد؟ چرا؟ چون بنده و شما تنبلیم. آیا می‌شود شسته و رفته، کپسول‌مانند یا اگر ممکن باشد تزریق شود، یک‌شبه مجتهد شد؟ نمی‌شود جانم! نمی‌شود. از بنده بشنوید که می‌گویم نمی‌شود. من می‌گویم این راه را رفته‌ام و به شما می‌گویم نمی‌شود. من وظیفه خود دانستم به عنوان کسی که سال‌های متمادی این راه را رفته، به تمام این شاخه‌های ممکن دست انداخته، حاصل تجربه خودم را برای کسی که پارسال یا امسال به این مدرسه آمده بگویم تا از این تجربه استفاده کند. دوستان! اگر در میان شما کسانی با عشق به اینکه انسان، جایگاه انسان در جهان، راه انسان، هدف انسان، آغاز و فرجام جهان و انسان را محققانه و نه مقلدانه بشناسند و بعد راهگشای بن‌بست‌های فعلی ناشی از ضعف شناخت باشند، باید مثل مجاهدی پاک‌باخته که «یجاهد فی سبیل الله بماله و نفسه»، مصمم، با اراده، «صَفا کَأَنَّهُم بُنیانٌ مَرصوصٌ»، مخلص، مشتاق، عاشق، روز از شب‌نشناس، بـه این راه گام نهد و بداند راهی طولانی، پرنشیب‌وفراز، گاهی سنگلاخ، پرپرتگاه و پرپیچ‌وخم، در پیش است. هرکس می‌تواند به این راه بیاید، بسم‌الله.

ما با خدای خویش میثاق بسته‌ایم کـه آنچه تاکنون در این زمینه به دست آورده‌ایم، با خلوص و صفای کامل در اختیار دنبال‌کنندگان و همراهان جوان ایـن راه بگذاریم. عملا هم دیده‌اید که مدرسه، بی‌ریا، بی‌داعیه و بی‌هوس، بـه این کار پرداخته است. اگر فردا درِ این مدرسه بسته شود، هیچ غم نداریم، هیچ چیزی از دست نداده‌ایم، مگر این غم که فکر کنیم محیطی که مساعد برای ساخته‌شدن چنین رهروانی بود، از بین رفت! و الا محیطی که ۲۰۰ معمم در کنار بقیه تربیت کند، مورد علاقه هیچ‌یک از ما‌ها نیست. اگر امکاناتی داریم، می‌گذاریم در اختیار آن عاشق‌ها، نه در اختیار آن نِق‌نِق‌زن‌ها! عاشق که این‌قدر نق نمی‌زند. عاشق که این‌قدر آفتاب و سایه نمی‌کند. عاشق که این‌قدر پرتوقع نمی‌شود. گفته می‌شود چرا کتاب‌های درسی اصلاح نشده است؟ چه کسی باید این کار را بکند؟ می‌گویید ماها در حد توانمان نکرده‌ایم یا می‌گویید نشده است؟ اگر نکرده‌ایم، شما بکنید؛ این شمایید حامل بقیه کار. تفاوت امروز با ۳۰ سال پیش را شماها نمی‌توانید بفهمید چیست. ماها می‌فهمیم که مال آن ۳۰ سال پیش هستیم. درست ۳۱ سال از ورود من به قم می‌گذرد. آن‌وقت چه امکاناتی داشت، حالا چه دارد؟ بنده چهار کتاب Reader خوانده بودم، آمده بودم به قم، طلبه‌های علاقه‌مند در گوشه‌وکنار می‌آمدند روزهای جمعه، در وقت بی‌کاری من، انگلیسی پیش بنده می‌خواندند. حالا بهترین استاد انگلیسی ممکن را برای آقا آماده می‌کنید، می‌گویی بفرمایید، ناز می‌کند! همه‌اش عیب‌گیری، خرده‌گیری. تذکر، انتقاد سازنده، پیشنهاد قابل عمل، چشم! نق‌نق، بهانه‌گیری، تنبلی و تن‌آسایی باید از قاموس کار این مدرسه به کلی حذف شود. اگر چهار نفر هم اینجا بمانند، با آنها کار می‌کنیم. ۲۰۰ نفر می‌خواهیم چه کار کنیم؟! عشق ما در کوششی که می‌بینید به علت برخوردهایی است که با عده‌ای از شماها در طول این مدت داشته‌ایم. دل‌های مشتاقی ما را به این سو کشانده است. ما مشتاق بودیم، آنها هم مشتاق بودند؛ «چه خوش بی مهربانی از دو سر بی». مهربانی از دو سر بود، به یکدیگر جذب شدیم. هروقت از یک سر شد، «که یک سر مهربانی دردسر بی». آیا دوستان عزیز اعضای شورای مدرسه اجازه می‌دهند (چون قبلا در این زمینه از شورا کسب اجازه نکرده‌ام) همین‌جا اعلام کنم که از سال آینده، تنها عاشق‌ها به این مدرسه بیایند و غیرعاشق‌ها عنایتشان را از سر ما بردارند؟ جناب آقای مصباح اجازه می‌دهید سال دیگر تنها عاشق‌ها به اینجا بیایند؟ اگر بگویید به حجره‌ها چسبیده‌اید چون جای دیگر در قم پیدا نمی‌شود، ما خداحافظی می‌کنیم. با عاشق‌ها می‌رویم به یک سوی دیگر.

اگر درسی در برنامه‌های سال اول یا سال آخر گذاشته می‌شود، خیال نکنید حساب‌نشده است. حساب‌شده است، منتها اگر به ذائقه برخی خوش نمی‌آید، یکی از این دو دلیل را دارد: یا به سلیقه ما هم خوش نمی‌آید، ولی جایگزین بهتری پیدا نکرده‌ایم؛ یا به سلیقه ما به عنوان پیشروی آگاه خوب می‌آید، به سلیقه خام شما خوب نمی‌آید. این دیکتاتوری نیست، این قاطعیت است. مدیریت بی‌قاطعیت صنار نمی‌ارزد. بدانید در کار اداره مدرسه همچنان با قاطعیت روبه‌رو خواهید بود. اقلا بدانید مطلب چیست؛ چون شماها را دوست داریم می‌خواهیم بدانید مطلب چیست. فلان درس فلسفه است، می‌گویند ای آقا! این فلسفه‌های کهنه به چه درد می‌خورد؟ خیلی عجیب است که کسانی که ۲۰۰ سال است فلسفه نو و کهنه را مثل خمیرگیر این‌ور و آن‌ور می‌کنند، نمی‌فهمند که این به درد می‌خورد؛ ولی یک نفر که در ابتدای راه است، خبر دارد که این به دردش می‌خورد یا نه! امید و آرزوی ما این است که بتوانیم با جوانانی شیفته و مشتاق که با هدفی والا گام به حوزه نهاده‌اند، روبه‌رو شویم؛ جوانانی که رفتار آنها، ایمان آنها به رهبری مدرسه، ایمان آنها به برنامه‌ریزی مدرسه و اینکه این برنامه‌ریزی یکی از دو پایه را دارد که عرض کردم. وقتی از جناب آقای قدوسی می‌پرسم چرا به کار طلاب رسیدگی نمی‌شود، پاسخ ایشان این است که مگر نق‌نق‌های بی‌خودی وقت برای من می‌گذارد که به طلبه رسیدگی کنم؟! طلابی که به رهبری مدرسه، به برنامه‌ریزی مدرسه، به کار مدرسه و به آینده کار ایمان دارند و مؤمن‌اند، قدمشان بالای چشم. طلابی که ایمان ندارند، از همین تابستان لطفا تشریف ببرند. با هرکس ماند، حساب را از نو آغاز خواهیم کرد. بدانید که خدا شاهد است اگر آنچه مربوط به کار اینجا می‌شود، بخواهد ذره‌ای از محور اخلاص در نیت، عمل و تلاش مخلصانه در این راه که اشاره کردم منحرف شود، برای ما ذره‌ای، به اندازه یک پَرِ کاه هم گیرایی نخواهد داشت. من مکرر به دوستان عرض کرده‌ام که بنده که حالا بلند می‌شوم با همه گرفتاری‌ها می‌آیم اینجا و فلان بحث، فلان کار یا فلان درس را بر عهده می‌گیرم، تنها چیزی که می‌تواند اذان صبح، بنده را از خانه‌ام، ولو حالا بیمار هستم، سوار اتوبوس کند و بیاورد اینجا، کار مدرسه با اخلاص در نیت، خداخواهی، خدمت به خلق خدا اما برای رضای خداست. تا این روح در کالبد این مدرسه نباشد، مرده‌ای خواهد بود که برای ما هیچ‌گونه جاذبه انس و مأنوس‌شدن و همنشینی نخواهد داشت. امیدوارم شما دوستان جوانِ عزیز، عوامل نفاق‌افکن، جدایی‌افکن، جروبحث‌های بیهوده و خام و بی‌ثمر، دل و روح مرده‌کن را چه میان خودتان، چه میان خودتان و دیگران، به کناری بنهید و اگر مرد میدان حقید، خود را نخست برای شناخت کامل‌تر حق و عدل آماده کنید و از آن مردمی که دلتان به حال آنها می‌سوزد، شناختی در حد شناخت دشمنانشان به دست آورید. جامعه‌شناسی مذهبی، یکی از شاخه‌هایی است که در آینده در انتظار شماست. گروهی از شما باید جامعه‌شناس مذهبی شوید؛ یعنی کنش و واکنش بنیادهای مذهبی را روی انسان‌ها بیازمایید و مطالعه کنید. بفهمید با کدام تاکتیک باید تبلیغ کنید، با کدام تاکتیک باید بسازید، با کدام تاکتیک باید حرکت کنید.

ده‌ها رشته نو در انتظار شماهاست، اما شمای ساخته‌شده، نه شمای خودسر. شمای عاشق، نه شمای نازک‌نارنجی. شمای تلاشگر تن‌به‌زحمت‌ده. امیدوارم با چنین اخلاصی، با چنین ایمانی، با چنین صفایی، با چنین آمادگی‌ای، در سال آینده دوستانی داشته باشیم که بتوانیم با آنها این راه را برویم. از خدای متعال آرزو و مسألت دارم که کار ما و کار شما را دارای رنگی الهی، آهنگی خدایی، نورانیت و روشنی‌ای از درون، با آثار سازنده‌ای در برون، در خدمت انسان‌هایی نیازمند به این آثار سازنده، قرار دهد. دوستان اگر سؤالی دارند مطرح کنند. پنج‌دقیقه همه دوستان بنشینند که دورهم‌بودن و جلسه انسمان به‌هم نخورد تا اگر کسی سؤال دارد سؤال کند و اگر سؤال نداشتید از همدیگر خداحافظی کنیم. یکی از حضار: درباره ضرورت درس فلسفه قدیم بیشتر توضیح دهید. دکتر بهشتی: تا حدودی در عرایض امروزم مشاهده کردید که هر یک از رشته‌های مورد نظر شما اگر بخواهد زنده، پویا، متحرک و به‌دردخور باشد، در ارتباط با جهان‌بینی‌هاست. فلسفه چیست؟ فلسفه مجموعه جهان‌بینی‌هاست که از قدیم شروع می‌کنیم تا به جدید برسیم. جدید بر بنیاد چه بنیانی نهاده شده؟ بر بنیاد قدیم. می‌خواهید در فقه شخصیتی شوید مثل آیت‌الله بروجردی، منتها ناظر به مسائل زمان؛ یعنی از ایشان ناظرتر و پیشروتر؟ شما فکر می‌کنید که مرحوم آیت‌الله بروجردی چقدر وقتشان را صرف همین فلسفه کردند؟ نمی‌دانید. من می‌دانم. به همین دلیل هم بود که آن فلسفه روی مجموعه کار ایشان روشنایی خاص داشت. ایشان کاملا یک نوع پیوند میان کارهایشان به چشم می‌خورد. حالا من نمی‌خواهم بگویم این کتاب فلسفه‌ای که می‌خوانید غربال شده است. نه. چنین کتابی هنوز نداریم. تألیف هم کرده‌اند و باز هم آنچه نیاز بوده از کار درنیامده است، ولی بدون آن هم نمی‌شود. بار دیگر از صمیم قلب این توفیق را از خدای توفیق‌ده مسألت می‌کنم که کار ما و کار شما را در جهتی قرار دهد که رضای او و خواسته او و در آن جهت باشد و به‌راستی ما را برای ایفای مسئولیتی که بر دوش یکایک ما احساس می‌شود آماده‌تر کند. والحمدلله و صل الله علی سیدنا و آله الطاهرین.

> **بحث ما در وحی اسلامی، منعکس است در دو آیینه متمم یکدیگر: کتاب و سنت. برای شناخت وحی باید رفت سراغ کتاب و سنت. بله، امروز برای کتاب‌فهمی و سنت‌فهمی زنده و پویا و نه متحجر و ایستا یا حتی ارتجاعی، علاوه بر همه آنچه تاکنون برای فهم کتاب و سنت به آن احتیاج داشتیم، به یک سلسله‌معلومات دیگر نیز به صورت کمک نیازمندیم؛ یعنی اگر انسان بخواهد ببیند وحی درباره روند جامعه چه می‌گوید، تا الفبایی از جامعه‌شناسی نداند، نمی‌تواند اصلا بفهمد وحی درباره روند جامعه چه می‌گوید**

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
آگهی فقدان سند مالکیت
شناسه آگهی: ۱۷۴۲۵۳۵

نظر به اینکه مالکیت بهزاد صادقی‌نژاد فرزند حمید شماره شناسنامه ۸۱۸ تاریخ تولد ۱۳۴۱/۰۶/۰۲ صادره از اصفهان دارای شماره ملی ۱۲۸۷۷۹۹۲۱۳ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ به عنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان و مالکیت امیر درخشان مهر فرزند عباسعلی شماره شناسنامه ۱ تاریخ تولد ۱۳۶۰/۰۱/۰۱ صادره از اصفهان دارای شماره ملی ۱۲۹۰۶۰۸۲۷۱ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ به عنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان پلاک ثبتی ۷۶۶ فرعی از ۱۵۳۱۶ اصلی بخش ۵ ثبت اصفهان با شماره مستند مالکیت ۱۵۳۷۹۹ تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۱ شهر اصفهان استان اصفهان، موضوع اسناد مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۸۹۷۱۵ و ۸۸۹۷۱۴ سری الف سال ۹۷ با شماره الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۲۰۲۷۰۲۳۹۷۷ و ۱۳۹۷۲۰۳۰۲۰۲۷۰۲۳۹۷۶ ثبت گردیده است. لذا مالکین فوق با ارائه دو برگ استشهادیه که به شماره ۶۹۹۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۶ در دفترخانه ۲۱ اصفهان گواهی شده است، مدعی است سند مالکیت مرقوم در اثر جابه‌جایی مفقود گردیده و اکنون تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتباً ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید تا مراتب صورت‌مجلس و اصل سند مالکیت به ارائه‌کننده مسترد گردد. بدیهی است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسد یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات خواهد شد.

مهدی صادقی وصفی - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه شرق اصفهان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
آگهی فقدان سند مالکیت
شناسه آگهی: ۱۷۴۲۴۳۲

نظر به اینکه مالکیت محبوبه فلاحتی فرزند رضا شماره شناسنامه ۱۰۹ تاریخ تولد ۱۳۴۵/۰۱/۱ صادره از اصفهان دارای شماره ملی ۱۲۹۱۰۶۱۳۳۹ با جز سهم ۷/۲ از کل سهم ۷۲ به عنوان مالک هفت ممیز دو دهم سهم مشاع از هفتاد و دو سهم عرصه و اعیان پلاک ثبتی ۴۵۰۹۳ فرعی از ۱۵۱۹۰ اصلی بخش ۵ ثبت اصفهان متن سهم: هفت حبه و بیست صدم حبه مشاع به استثناء بهای ثمنیه اعیانی آن از ۷۲ حبه شش دانگ به استثناء بهای ثمنیه اعیانی آن با شماره مستند مالکیت ۳ تاریخ ۱۳۶۴/۰۱/۱۷ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۸۲۵۰۷ سری د سال ۹۱ که در صفحه ۳۷۷ دفتر املاک ۵۷۶ ذیل شماره ۱۱۵۱۶۰ ثبت گردیده است و با ارائه دو برگ استشهادیه که به شماره ۵۳۵۹۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۷ در دفترخانه ۱۱۱ اصفهان گواهی شده است، مدعی است سند مالکیت مرقوم در اثر جابه‌جایی مفقود گردیده و اکنون تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتباً ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید تا مراتب صورت‌مجلس و اصل سند مالکیت به ارائه‌کننده مسترد گردد. بدیهی است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسد یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات خواهد شد.

مهدی صادقی وصفی - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه شرق اصفهان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
آگهی تحدید حدود اختصاصی
شناسه آگهی: ۱۷۴۲۶۰۰

نظر به اینکه آقای مجید مصباح فرزند عباس به شماره ملی ۶۶۰۹۵۷۱۶۵۱ در اجرای مقررات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای صدور سند مالکیت نسبت به یک باب خانه احداثی به مساحت ۹۹/۸۳ مترمربع بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان را نموده و رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۲۰۲۷۰۲۰۵۴۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ هیات حق اختلاف موضوع قانون مذکور نسبت به آن صادر شده و تحدید حدود پلاک اولیه تاکنون به عمل نیامده، لذا طبق تبصره ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر تحدید حدود پلاک شماره ۴۲۴۷ فرعی از ۱۰۳۹۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به نام نامبرده نسبت به شش دانگ در روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ از ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌گردد که در ساعت و روز مقرر در این آگهی در محل حضور یابند. اعتراضات مالکین مجاور مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدیدی تا ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد. اعتراض به تقاضای تحدید حدود بایستی توسط معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی با تقدیم دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی صورت پذیرد.

تاریخ انتشار: شنبه ۱۴۰۳/۰۴/۰۹
مهدی صادقی - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

نبرد تمام نشده است

اللـه‌نور کریمی‌تبار، امام‌جمعه ایلام در خطبه‌های نمازجمعه این هفته به سالروز آزادسازی مهران در دهم تیرماه سال ۱۳۶۵ اشاره کرد و یادآور شد: «آزادسازی شهر مهران نشان از شکست صدام بعث و تمامی کشورهای حامی این رژیم و بیانگر استقامت، رشادت و ایمان رزمندگان ایرانی در مقابل جهان استکبار است. هرچند در ظاهر دوران دفاع مقدس به پایان رسیده است اما نبرد ما با جهان سلطه به اتمام نرسیده و دشمن امروز به دنبال مهندسی افکار جوانان این مرز و بوم است کـه آنها را از انقلاب و آرمان‌های شهدا جدا سازد.» او ادامه داد: «هدف دشمن تضعیف روحیه خودباوری و ایمان جوانان و کمرنگ کردن ارزش‌هایی چون غیرت و عفاف در بین خانواده‌ها و رواج ابتذال غربی در جامعه اسلامی ایران است. اکنون صحنه جنگ ما با دشمن به نبرد فرهنگی و سیاسی تغییر یافته و یکی از آن صحنه‌های مقابله با معاندان حضور گسترده در میدان انتخابات و برگزیدن فرد اصلح و همسو با گفتمان انقلاب است.»

کرونا دست‌ساز آمریکا بود

حبیب‌الله غفوری، امام‌جمعه کرمانشاه در خطبه‌های نمازجمعه این هفته گفت: «در هفته افشای حقوق بشر آمریکایی هستیم و باید حافظه ملت مخصوصاً نسل جوان فراموش نکند که آمریکا چه جنایتکاری است، بیش از ۳۷ هزار شهید و حدود ۹۰ هزار مجروح در غزه که نیمی از آنها کودکان هستند ناشی از حمایت آمریکایی‌هاست. کرونا هم دست‌ساز جنایتکاران آمریکایی بود قاتل همه شهدای ما آمریکای جنایتکار است و شعار مرگ بر آمریکا از دهان مردم ما نمی‌افتد.» او در بخش دیگری درباره انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: «حضور یکپارچه مردم در انتخابات اصل اول است برای ناامید کردن دشمن و اقتدار کشور، بعد هم انتخاب اصلح که به فرموده رهبر معظم انقلاب اصلح آن کسی است که به مبانی انقلاب اعتقاد قلبی داشته باشد. رئیس‌جمهور باید کارآمد باشد، شب و روز نشناسد و از همکاران خوب استفاده کند لذا اطرافیان نامزدها تعیین‌کننده اصلح بودن اوست.»

از بیکاری زخم بستر گرفتند

مهدی رحیم‌آبادی، امام‌جمعه بیرجند در خطبه‌های نمازجمعه این هفته با بیان اینکه جریان‌هایی در این انتخابات دندان تیز کرده‌اند گفت: «عده‌ای نقدهایی دارند ما هم نقد داریم اما این نقدها بر مسئولانی وارد است که خودمان انتخابشان کرده‌ایم.» او ادامه داد: «شهید جمهور که به همراه مسئولان دیگر پرپر شد را هم خودمان انتخاب کرده بودیم کما اینکه زمام مملکت را به اشخاص کم‌کار و غرب‌زده‌ای دادیم که از بیکاری زخم بستر گرفتند. اگر به دنبال امنیت، آسایش، رفاه و پیشرفت معنوی هستیم یا حتی اعتقاد به خدا، مذهب و دین نداریم باز هم در سایه حاکمیت الله این اهداف بهتر تامین می‌شود.»